

شیوه های مشارکت شهروندی در فرآیند های توسعه ی شهری

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۲۵

دکتر آرزیتا رجیبی* (استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)

چکیده

در الگوهای جدید برنامه ریزی و مدیریت شهری جهانی، اجرای پروژه های مشارکت شهری جایگاه خاصی یافته است. اجرای پروژه توسعه ی شهری یک فعالیت جمعی است مبتنی بر « نقش مشارکت شهروندی با الگوهای متفاوت مبتنی بر مشارکت افراد، خانواده ها، گروه ها، سازمان ها، نهادها و بخش های خصوصی و عمومی است. اصطلاح تخصصی توسعه پایین به بالا، نیز ناظر به نقش مشارکتی مردم است و نقش مشارکتی مردم (افراد، گروه ها، سازمان ها) در فرآیند توسعه از جمله توسعه شهری واقعیتهای انکارناپذیر است. تجربیات جهانی نشان می دهد که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در برنامه های توسعه ی شهری توجه فزاینده ای به رویکرد مشارکت^۱ صورت گرفته است.

در مقاله ی حاضر به بررسی الگوها و مدل های مختلف برنامه ریزی مشارکتی پرداخته و دیدگاه های حاکم بر مشارکت مردمی در برنامه ریزی شهری، نظریات و مدل های مشارکتی، ویژگی های نظام های مشارکتی در برنامه ریزی و مدیریت شهری سطوح مختلف مشارکت مردمی در طرح های شهری را مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی

مشارکت، نظام های مشارکتی، رویکرد های مردم سالارانه، توسعه شهری

* نویسنده رابط: azitarajabi@yahoo.com

¹ Participatory approach

مقدمه

مشارکت، وسیله ای برای دستیابی به اهداف توسعه انسانی و یک ارزش مستقل در توسعه ی جوامع شهری به حساب می آید . در اجرای هر طرح که مردم در مراحل از آن مشارکت فعالانه داشته باشند؛ غالباً موفقیت حاصل می شود و به همین دلیل مشارکت مردم به عنوان مهم ترین عامل در موفقیت طرح ها بشمار می رود با بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در طرح های شهری به منظور شناخت جایگاه مشارکت شهروندان در افزایش کارایی طرح های شهری به منظور ارائه راهکارهای مناسب جهت برقراری آن پردازیم. افزایش مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری تأکید بیشتر بر برنامه ریزی هماهنگ و مشارکتی می باشد. در این شیوه برنامه ریزی نقش مردم از حالت نمایشی به جنبه محوری پیدا می نماید. در واقع مفهوم مشارکت مردمی با مفهوم کارآیی، تمرکز زدایی و حکومت های محلی درهم آمیخته شده و حکومت های محلی را بصورت گزینه قابل توجه و برتر مطرح می سازد.

تشکل های غیردولتی و غیر رسمی، سازمان هایی با شخصیت حقیقی مستقل، غیر دولتی و غیر انتفاعی هستند که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش های غیرسیاسی و براساس قانونمندی و اساسنامه مدون و رعایت چارچوب موضوعه کشور و مفاد آیین نامه های اجرایی آن فعالیت می نماید، مشارکت واقعی آگاهانه و موثر مردم در طرح های توسعه شهری در سایه وجود و حضور جدی گروه ها، نهادها و سازمان های جامعه مدنی (CSOs) و از جمله سازمان های غیر دولتی (NGOs) میسر است. بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در طرح های شهری به منظور شناخت جایگاه مشارکت شهروندان در افزایش کارایی طرح های شهری به ارائه راهکارهای مناسب در راستای ورود شهروندان به این عرصه منجر می شود .

در دهه های اخیر مفهوم مشارکت همواره در عمق فرایند های توسعه جای گرفته و جنبش های مردمی، تاثیر عوامل انسانی ناشی از مشارکت را در موفقیت پروژه ها ثابت نموده اند. حضور مردم در فرایند توسعه در پی تلاش های یونسکو در نوزدهمین اجلاس عمومی خود در سال ۱۹۲۶ در نایروبی رهیافت "توسعه درون زای انسان - محور" را مطرح ساخت و لزوم اجرای آن را در برنامه های توسعه اعلام کرد. در این رهیافت لزوم مشارکت بیش از پیش مورد تاکید قرار گرفت و به محور اساسی توسعه در جهان مبدل گردید. نخستین هدف توسعه « انسان - محور » دستیابی به نیازهای اساسی انسانی بود. این هدف بر گروه ها و قشرهای محروم اجتماعی تاکید بسیار داشت. در توسعه درون زا، مشارکت نقش و جایگاه مهمی پیدا و از جمله محورهای بنیادین توسعه درون زا قلمداد شد

توسعه ای درون زا است که مردم، آگاهانه از هویت خود حفاظت می کنند، و از اندیشه فردی و جمعی نیرو می گیرند. از این رو مشارکت مردم در این فرآیند شرط اساسی و عملی است که بخشی از جنبه های عملیاتی توسعه رانیز تشکیل می دهد. از لحاظ نظری NGOs شفاف ترین بیانیه، جامعه مدنی هستند و از نوع سازمان های واسط و میانجی محسوب می شوند. لذا با توجه به مباحث مطرح شده مطالعه در این زمینه چه به صورت نظری و چه به لحاظ به منظور تعیین نقش سازمان های غیر دولتی در افزایش مشارکت عمومی در جامعه شهری اهمیت و ضرورت پیدا می کند.

اهداف تحقیق

- در تحقیق حاضر اهداف ذیل مطرح می باشد:
- ارائه الگوهای مشارکت شهروندی در دنیا
- دستیابی به زمینه های لازم ایجاد مشارکت در جوامع شهری
- ضرورت ایجاد مشارکت در طرح های شهری

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف جهت دستیابی به مفاهیم به صورت بنیادی تدوین گردیده از نظر متدولوژی یا روش شناسی مبتنی بر بررسی حوزه ی مفهومی یا *filed study* به بررسی مفهوم مشارکت و الگوها و شیوه های آن به طور عام می پردازد و جهت جمع آوری اطلاعات آن از روش کتابخانه ای - اسنادی استفاده شده است و براساس تحلیل توصیف تدوین گردیده است.

تعاریف و مفاهیم

تعریف مشارکت مردمی

واژه مشارکت^۱ از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می باشد. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث های فراوانی شده است. برخی از صاحب نظران مدیریت تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده اند. مشارکت درگیری ذهنی، عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسؤولیت کار شریک شوند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

¹ ParticiPation

در دایره المعارف برنامه ریزی شهری مشارکت عمومی اینگونه تعریف شده است: « مشارکت عمومی در شهر سازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر می شوند تا در تدوین سیاستها و طرحهای شرکت که بر روی محیط زندگی آنها موثر هستند » (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۵).

به طور خلاصه مشارکت مردم عبارت است از: فرایند و حق اساسی که در طی آن مردم عاقلانه^۱ و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص با قبول گوشه ای از مسؤولیت آن به طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف پیش تعیین شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت بندی شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه می باشد. حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه ریزی فرایند نگر با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه پایدار، ... را در آن دخیل کنیم، برنامه ریزی - شهری (شهر سازی) مشارکتی را خواهیم داشت.

گاهی فرآیند های مشارکتی منجر به توسعه اجتماعات محلی شده و منجر به توسعه ی از پایین به بالا می شود که زیر بنای آن سازماندهی اجتماعات محلی و بسیج قابلیت های درونزای اجتماعی بوده که خود عامل بهره گیری از سرمایه های اجتماعی می شود (فنی /صادقی، ۱۳۸۸: ۶۱)

سازمان های غیر دولتی NGOs

سازمان یا تشکل های غیر رسمی اصطلاح « سازمان غیر دولتی »^۲ به اختصار NGOs همان طور که از عنوان آن مشخص است درمورد مؤسسه هایی به کار می رود که مستقیماً از بودجه دولتی استفاده نمی کنند و اعضاء آنها در مقابل فعالیتی که انجام می دهند مسؤولیت واگذار شده دولتی ندارد. گاهی اصطلاحات هم مفهومی نیز به کار می رود که به اختصار PO به معنای «سازمان های مردمی»^۳ به کار برده می شود. (مقنی زاده، ۱۳۷۷، ۶۲)

سازمان غیر دولتی به هر نوع سازمانی گفته می شود که دولت در تشکیل و کنترل آن دخالتی ندارد. از نظر دولت، هر سازمانی که در دیوانسالاری (بوروکراسی) گسترده دولتی سهمی ندارد، سازمان غیردولتی تلقی می شود.

دیدگاه های حاکم بر مشارکت مردمی در برنامه ریزی شهری

¹ Rational

² Non- Governmental .organization

³ People- organization

بنیادی ترین اندیشه زیرساختی مشارکت، پذیرش اصل برابری در فرصت‌ها برای مردم است. دیدگاه‌های مشارکت اصولاً از نظریه‌های مختلف در خصوص ساختار و عملکرد حکومت‌های محلی به طور اخص و از نظریه‌های مختلف در زمینه مشارکت کارگری بطور اعم نشأت می‌گیرد. تکوین و توسعه جامعه مدنی در گرو فرآیند درونی کردن و نهادینه سازی مشارکت مردمی می‌باشد و راهبرد‌های افزایش مشارکت شهروندی در سه فرآیند الف) درونی کردن ارزش‌های مشارکت ب) نهادینه سازی و کاهش اختلالات اجتماعی ج) تکوین جامعه مدنی از طریق شکل‌گیری اتحادیه‌ها و سندیکاها و اصناف. (دانشمند، نظریان، ۱۳۸۹: ۱۱۳) به عقیده ی دنیل اچ. استروب^۱ در کتاب "توسعه در سازماندهی شهرداری" دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را می‌توان به چهار تقسیم نمود که عبارتند از:

۱- نظریه همراه ساختن^۲

در این دیدگاه به این دلیل که اصولاً ساکنین محلی و مردم قادر نیستند نقش سازنده‌ای در جهت انجام پروژه‌ها ایفا نمایند. لذا مشارکت آنان تنها در جهت کاهش ضدیت آنان با انجام پروژه‌ها از طریق دخالت صوری آنها می‌تواند باشد. به عبارت دیگر همراه ساختن ظاهری (ونه واقعی) مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع متوسط آنها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری درآینده. (مرادی، ۱۳۸۰، ۲۲۰)

۲- نظریه مشورتی^۳

بر اساس این دیدگاه برخلاف نظریه همراه ساختن بر این عقیده است که ارزش‌هایی که از سوی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم^۴ مطرح می‌گردد، اصولاً ارزشهایی که به طبقه متوسط تعلق داشته (دیدگاه غرب) و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پایین جامعه باشد. لذا ارتباط با مردم و شهروندان جهت آشنایی با افکار و ارزش‌های آن‌ها یکی از مقتضیات برنامه ریزی می‌باشد. نظریه مشورتی بر سه روند تاکید دارد که عبارتند از:

¹ Daniel H.straub
² Cooperation theory
³ Consultation theory
⁴ Public interest

الف: اطلاع رسانی به ساکنین در مورد گزینه های موجود

ب: اخذ نظرات شهروندان

ج: لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه های نهایی

۳- نظریه درمان آموزشی - اجتماعی یا مدل یادگیری اجتماعی

ارتقاء وضعیت شهروندان از طریق آموزش که از طریق مشارکت به آن ها داده می شود و تربیت شهروندان مسئول که بتوانند با آزادی و دموکراسی که در اختیارشان قرار میگیرد سرنوشت خودشان را به سمت بهینه ای رهنمون کنند. اساس این نظریه در واقع دموکراسی می باشد. افراد معتقد به این نظریه بر این باورند که مشارکت مردمی زمینه آموزش مناسبی جهت تربیت شهروندان در محله یا محدوده ای که مشارکت در آن صورت می پذیرد مهیا می سازد و بر این اصل استوار است که تنها با مشارکت دادن و دخیل نمودن ساکنین محلی در برنامه ها می توان بر آن ها تأثیر گذار بود و شهروندان می توانند با آموزش قدرت بهبود بخشیدن به وضعیت خود را بدست بیاورند بعبارت دیگر دخالت مردم در سرنوشت خودشان (در مرحله) باعث بهبود وضع آنان خواهد بود. این مدل را به "مدل یادگیری اجتماعی"^۱ نیز می نامند. از مبتکران این نظریه می توان جان فرید من را نام برد که معتقد است باید بین برنامه ریزان به عنوان وکلای مردم و مردم به عنوان موکلین فاصله ها خذف شوند و زبان علمی برنامه ریزان به مردم و زبان واقعیت های عملی مردم به برنامه ریزان آموزش داده شود و این کار از طریق ارتباط رودررو و شفاهی بین برنامه ریز و مردم فاصله ی این دو قشر را از بین می برد. (Andrews & Herschel, 1997)

۴- نظریه قدرت جامعه^۲

بر اساس این نظریه افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتماعی (و همچنین مزایایی که حاصل از قدرت اجتماعی می باشد) به دور افتاده اند، بایستی بتوانند در سیاستگذاری ما دخالت داشته و دخیل باشند. این نظریه به طور کلی به صورت رادیکال مطرح شده و با نظری های دیگر متفاوت است. بر اساس این نظریه به طور عمده دو رویکرد در عملکرد و نقش حکومت های محلی وجود دارد که به محلی کوشا باشد. - رویکرد دوم: باهدف افزایش کنترل شهروندان سعی در

¹ Social learning

² Community Power theory

ایجاد پایگاه قدرت سیاسی شرح زیر می باشد: رویکرد اول: می باید در مردمی تر نمودن هر چه بیشتر حکومت های محلی از طریق جای دادن افراد محلی در هیأت های سیاست گذاری مستقل در مناطق کم درآمد از طریق ایجاد سازمان های همسایگی دارد. (حناچی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴)

سایر نظریات و مدل های مشارکتی

نظریه برنامه ریزی پشتیبان یا حمایتی یا وکالتی^۱

این نظریه اولین بار توسط پاول دیویداوف^۲ مطرح شد که در این مدل، از برنامه هایی دفاع می شود که به دلیل مخالفت افکار عمومی در برابر حکومت ها محلی و دولتی و مبتنی بر استماع عام^۳ توسط مردم که غالباً از طبقات فرودست هستند تهیه شده است این مدل بر اساس نظریه "انتخاب در برنامه ریزی"^۴ تدوین گردیده است. (مقیمی، ۱۳۸۶: ۱۶۲-۱۶۱) با آنکه دیویداوف شرکت همه گروه های اجتماعی را در روند برنامه ریزی لازم می داند و بر این امر تشویق می کند اما معتقد است «یک گروه اجتماعی وجود دارد که در حال حاضر بیش از سایر گروه ها به یاری برنامه ریزان نیازمند است و آن گروه مرکب از خانواده هایی است که درآمد اندکی دارند» در این مدل برنامه ریزی افزایش توجه به افراد و گروه های محروم، اثر گذاری بر تصمیمات افرادی که از قدرت تصمیم گیری و سایر جنبه های قدرت بهره برده اند و نیز گسترش نسبی مشارکت مردمی در فرآیند برنامه ریزی را به بار آورده است. از این رو این مدل برنامه ریزی را مساوات طلب یا عدالت محور^۵ نیز می نامند.

نظریه ی برنامه ریزی مراوده ای^۶ یا ارتباطی

این مدل اساس گفتگو و مبادله افکار بین گروه های مختلف جامعه به صورت گروهی (برخلاف یادگیری اجتماعی فریدمن که فرد با فرد است) با برنامه ریزان می باشد در این مدل رابطه دو جانبه بین مردم و برنامه ریزان وجود دارد و هر دو از یکدیگر آموزش می گیرند و بر سر راه حل ها به توافق می رسند از بنیان گذاران این مدل می توان از آلبرشت^۷ نام برد. (صالحی، ۱۳۷۹: ۹۴-۹۳) برخی این نظریه را تئوری برنامه ریزی ارتباطی^۸ نیز می نامند. یکی از اوایل دهه هشتاد مطرح شده است و طرفداران

¹ Advocacy planning

² Paul Davidoff

³ Public hearing

⁴ The choice theory of planning

⁵ Equity planning

⁶ Argumentative dialogue

⁷ Albrecht

⁸ Communicative planning

زیادی در بین نظریه پردازان پیدا کرده است. تئوری برنامه ریزی ارتباطی نگاه تقریباً نوینی به برنامه ریزی و مسائل محیط پیرامون آن دارد و نوعی چرخش از دیدگاه سنتی حاکم بر برنامه ریز در طی دهه های گذشته را مطرح می کند. نظریه برنامه ریزی ارتباطی عموماً با ماهیت ارتباط داشته و اصولاً برنامه ریزی را شامل فعالیت هایی می داند که بخش دولتی، خصوصی و عمومی (مشارکتی) برای بهبود زندگی مردم انجام می دهند. از نظر یورگن هابرماس^۱ بسیاری از شکست های برنامه ریزی را می توان به شکست شیوه های ارتباطی و عواملی که ارتباطات را مخدوش و بی ثمر می کنند مرتبط دانست. بنابراین او در تئوری خود به جستجوی یک ارتباط سازنده و غیر مخدوش است. هابرماس تفاهم جمعی از طریق وضع ارتباطات سازنده اجتماعی را شرط لازم برای حل مشکلات اجتماعی می داند که برنامه ریزی در صدد آن هاست. برای همین منظور هابرماس به دنبال ارائه الگوی مطلوب ارتباط است. او در این میان چهار اصل کلی را برای برقراری ارتباط سازنده مطرح می نماید:

۱- گویا بودن^۲

۲- صمیمی بودن^۳

۳- مشروع بودن^۴

۴- صداقت^۵

نکات قابل توجه در برنامه ریزی ارتباطی که همواره مبنای یک برنامه ریزی مشارکتی موثر و کارآمد قرار می گیرد عبارت است از: . برنامه ریزی یک فرآیند ارتباطی است، متن برنامه یک محصول ارتباطی است، برنامه ریزان نیاز به دانش ارتباطی دارند، صحت و دقت آمارها و اطلاعات اهمیت زیادی دارد، ارزش ها و احساسات جزئی از برنامه است. (حسینی، ۱۳۸۰، ۹۹-۱۰۰)

نظریه ی هدایت اجتماعی^۶

در این مدل که توسط اتزیونی^۷ مطرح شده، برنامه ریزی در جوامع فعال نیازمند به بستر های دموکراتیک می باشد که از طرف مردم برنامه ها به سوی برنامه ریزان هدایت می شود و این مدل به

1 Jurgen Habermas

2 Comprehensible

3 Sincere

4 Legitimate

5 True

6 Social guidance

7 Etzioni

نوعی از برنامه اطلاق می شود که از پایین به بالا بوده توسط مردم هدایت جمعی یا اجتماعی صورت می گیرد و جامعه در برنامه ریزی دخالت داده می شود (مقیم، ۱۳۸۶: ۱۶۳)

نظریه ی پاسخگو^۱

در این مدل که در دهه هشتاد توسط "شین مک کوئل" مطرح شد، در فرآیند برنامه ریزی، تصمیم سازان و تصمیم گیران شهری در برابر مردم پاسخگو و مسئول بوده و مدلی مبتنی بر "حق - تکلیف در ارتباط با برنامه ریزان و مدیران از یک طرف و مردم و شهروندان از طرف دیگر می باشد در چنین فرایندی که کاملاً مبتنی بر نظام های دموکراتیک و مردم سالارانه می باشد مردم در مفهوم شهروند^۲ هم دارای حقوق شهروندی بوده وهم دارای تکلیف در برابر جامعه و حاکمیت و تصمیم گیران در مفهوم مدیران^۳ شهری نیز هم دارای حقوق خاص، هم دارای مسئولیت پاسخگویی در برابر مردم هستند این سیستم معروف به "مدیر- شهروند"^۴ بوده و در مقابل سیستم ارباب- رعیتی^۵ که فقط شهروندان مکلف به پذیرش بوده و فاقد حق می باشند قرار می گیرد.

سطوح مختلف مشارکت مردمی در طرح های شهری

دیدگاه های مختلف در زمینه مشارکت مردمی وجود دارد که صور متنوعی از مشارکت را محقق می سازد. این صور را می توان در هفت سطح طبقه بندی نمود این هفت سطح که می تواند از بالاترین سطح آگاهی اجتماعی یعنی « خود-انگیختگی » شروع شود تا شکل بسیار ظاهری و سطحی آن یعنی « فریب و صوری » عبارتند از :

۱- مشارکت خودانگیخته^۶

مردم خودمبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک های فنی با نهادهای دیگر تماس می گیرند لیکن مردم، کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی چنین پروژه هایی می توانند به اجرای کامل برسند.

¹ Responsive planning

² citizen

³ Manager

⁴ Manager- Citizen

⁵ Master- Servant

⁶ Self mobilization)

۲- مشارکت تعاملی (کنشی)^۱

مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می نماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی نشده، تنها وسیله ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می نمایند. لذا مردم تاثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع است.

۳- مشارکت عملکردی^۲

مشارکت از سوی نهاد خارجی به عنوان وسیله ای جهت تحقق پروژه، به خصوص کاهش هزینه ها از طریق ارایه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می شود. برای مثال مردم بعد از این که تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شد و اهداف پروژه مشخص می شوند، جهت تحقق اهداف تعیین شده، مشارکت می کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکت، مردم در جذب اهداف مورد نیاز خارجی، از اهداف خود دست می کشند.

۴- مشارکت بخاطر انگیزه های مادی^۳

مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه های مادی، مشارکت می نمایند. (مثلاً در مقابل عرضه کار، پول و یا غذا دریافت می نمایند و یا مثلاً در پروژه های خود-یاری به شرط عرضه نیروی کار و ایجاد ساختمان، زمین و خدمات دریافت می نمایند).

۵- اطلاعات دهی و مشورت کردن^۴

نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویت های مردم گرفته می شود. لیکن، میزان جمع آوری اطلاعات و کنترل تحلیل ها بوسیله ی نهاد خارجی از طریق تشخیص مسأله و راه حل های مورد نظر معین می شود. هیچ قدرت تصمیم گیری به مردم داده نشده، بعلاوه مجریان پروژه هیچ تعهدی نسبت به تحقق اولویت های مردم بعهدہ نمی گیرند.

1 Interactive Participation

2 Functional Participation

3 Participation for material Incentives

4 Consultation and Information- Giving

۶- مشارکت انفعالی^۱

به مردم گفته می شود که چه چیزی انجام خواهد شد؛ بدون اینکه نظرات آنها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند یا بتوانند تغییر در اوضاع ایجاد نمایند

۷- صورت و فریب (ظاهر فریبانه)^۲

تظاهر به مشارکت است که انجام می پذیرد. بعنوان مثال، نمایندگانی در هیأت های رسمی گماشته شده باشند، بدون اینکه این افراد انتخاب شده و یا قدرتی داشته باشند (مرادی، ۱۳۸۰: ۱۳)

اشکال مشارکت شهروندان

مشارکت شهروندان را می توان در سه نوع مطرح نمود:

الف) اجتماعی

ب) اقتصادی

ج) علمی و فنی

اجتماعی: در قالب تشکل ها و همکاری های جمعی و محلی در تهیه و اجرای طرح ها و

نظارت و پیگیری

اقتصادی: در جهت جلب همکاری و سرمایه گذاری بخش خصوصی در توسعه و عمران

علمی و فنی: همیاری با نهاد ها و موسسات حرفه ای و تخصصی شهرسازی در زمینه ی

تهیه طرح ها و برنامه های توسعه (مهدیزاده، ۱۳۸۶: ۳۱۸)

ویژگی های نظام های مشارکتی در برنامه ریزی و مدیریت شهری

برای توجیه فرآیند مشارکت پذیری در جامعه باید موارد ذیل در جامعه ایجاد شوند:

۱- مشارکت نیازمند به شرایط مساعد همچون آگاهی و معلومات در جامعه مشارکت جومی باشد.

۲- مشارکت نیازمند به وجود جو اعتماد بین مدیران و مشارکت جویان است.

۳- مشارکت نیازمند به وجود حس مسؤولیت پذیری و تعهد در مشارکت جویان است

۴- مشارکت نیازمند به وجود محرک ها و انگیزه های مادی و غیر مادی است

¹ passive Participation

² Manipulation and Decoration

- ۵- مشارکت نیازمند به ایجاد حس شکیبایی و صبر در بین مشارکت جویان است در مقابل این شرایط فرآیندهای مشارکتی تبعاتی را نیز برای شهروندان به وجود می‌آورد که عبارتند از :
- ۱- افزایش احساس رضایتمندی و بهره‌وری در میان شهر وندان
 - ۲- تقویت احساس عزت نفس و خود احترامی (مهم تلقی شدن) در بین شهروندان
 - ۳- کاهش مقاومت مردمی در برابر تغییرات منتج از تصمیم‌گیری‌ها
 - ۳- ایجاد و افزایش احساس اعتماد، وفاداری و همکاری بین مردم و مدیران
 - ۴- افزایش روحیه‌ی شارکت در کلیه فرآیندها
 - ۵- افزایش ادراک شهروندان و در نتیجه افزایش میزان انعطاف‌پذیری و شکیبایی آن‌ها
- (chandan, 1997 :355)

الگوهای مشارکت شهروندان در فرآیند طرح‌های توسعه شهری

امروزه شهرها در برنامه‌ریزی و اداره امورشان با مشکلاتی چون کمبود یا فقدان منابع درآمدی پایدار و نظام اداری و فنی ناکارآمد مواجه‌اند که جهت حل این مشکلات و پاسخ‌گویی به چالش‌های جامعه شهری، نیاز به مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. مشارکت واقعی و آگاهانه مردم تنها در سایه وجود حضور جدی گروه‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی و غیردولتی میسر است که شهروندان را نسبت به حقوق، وظایف و تعهداتشان در برابر جامعه شهری و توانایی آنان را در کنترل و اداره محیط اطرافشان آگاه می‌سازند در واقع تشکل‌های غیردولتی به عنوان راهکاری نو برای مشارکت بخشی مردم در تعیین سرنوشت خود از آن جهت در دنیای امروز اهمیت یافته‌اند که می‌توانند به عنوان حلقه واسطه میان حکومت‌ها و مردم، عهده‌دار انتقال خواسته‌های ملت به نظام حکومتی باشند.

مشارکت واقعی آگاهانه و موثر مردم در طرح‌های توسعه شهری در سایه وجود حضور جدی گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs) و از جمله سازمان‌های غیردولتی (NGOs) میسر است سازمان‌هایی که شهروندان را نسبت به حقوق، وظایف و تعهداتشان در برابر شهری که در آن سکونت گزیده‌اند و نسبت به توانایی آنان در کنترل و اداره محیط اطرافشان آگاه سازند، به عنوان واسطه و میانجی از حقوق شهروندان بویژه اقشار آسیب‌پذیر و محروم در برابر نهادها، سازمان‌های حکومتی و دولتی و بخش خصوصی دفاع نمایند. مردم را برای تغییر وضع محیط زیست شان برانگیخته و بسیج سازند و برای آنان حمایت‌های مالی، فنی و مشاوره‌ای فراهم کنند. از لحاظ نظری NGOs

شفاف‌ترین بیانیه، جامعه مدنی هستند و از نوع سازمان‌های واسط و میانجی محسوب می‌شوند. لذا با توجه به مباحث مطرح شده مطالعه در این زمینه چه به صورت نظری و چه به لحاظ به منظور تعیین نقش سازمان‌های غیر دولتی در افزایش مشارکت عمومی در جامعه شهری اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند.

نمونه الگوهای مشارکتی در شهرداری تهران

طی سالیان اخیر نمونه های موفق در نهادهای دولتی و اجتماعی مشاهده شده است که نمونه هایی از آن‌ها را می‌تواند برگرفته از الگوهای مشارکتی ذکر نمود که عبارتند از:

نمونه مدیریت مشارکتی پاسخ گو: در شهرداری تهران وجود آوردن سیستم رسیدگی به مشکلات شهروندان از طریق سیستم تلفنی (مدیریت الکترونیکی) با شماره ۱۳۷ و مرجع رسیدگی به شکایات عدم رسیدگی به پرونده های از طریق سیستم تلفنی ۱۸۸۸ (اقتباس از روش مدیریت پاسخ گو) می‌باشد از جمله سیستم های مشارکتی در احیاء بافت هالی فرسوده از طریق سیاست های توانمند سازی، ایجاد شورای یاری محلات و خانه های محله در مناطق بیست و دو گانه شهرداری تهران، پروژه ی شهر سالم که در سال ۱۳۷۰ در محله سیزده آبان از طریق نظرسنجی از مردم محله و مشارکت خود جوش و داوطلبانه (مدل مشارکت خود انگیزه)، طرح شهردار مدرسه (مشارکت عملکردی)، طرح پیشگامان فضای سبز در منطقه ۱۴ شهرداری تهران (مشارکت تعاملی و خود انگیزه)، طرح محله سالم در منطقه ۹ تهران با آشنا کردن شهروندان با حقوق و وظایفشان (اقتباس از مدل یادگیری اجتماعی) و طرح های استقبال از بهار نمونه های اجرایی در شهرداری تهران هستند که هر یک از این مدل ها اقتباس شده اند. (شهرداری تهران، ۱۳۸۵)

نتیجه گیری

تجربه کشورهای مختلف جهان در طرح‌های توسعه‌ی شهری نشان می‌دهد موفقیت طرح‌ها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج بوده و در گرو مشارکت مردم و نهادهای محلی هستند و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره عمومی می‌توان به موفقیت‌های مطلوب دست یافت. در کشور ما مکانیسم‌های خاصی برای آگاهی و اظهار نظر مردم در مورد کلیت طرح توسعه‌ی شهری و یا بخش‌هایی از آن تعریف شده که نمونه‌ی آن در قالب طرح‌های محله محوری و شورایاری‌ها در سطوح مختلف ملی در حال اجرا می‌باشند. اما در کشور ما به دلیل ندادن به مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای، شهروندان فقط زمانی از طرح مطلع می‌شوند

که بخواهند پروانه ساخت یا ساز ملک شخصی خود بگیرند. چنین وضعیتی باعث می‌شود شهروندان احساس تعلق روحی و معنوی کم تری به شهر خود و مریریت و اداره ی آن داشته باشند داشته و نه تنها مشوق اجرای طرح های توسعه نباشند ، بلکه طرح‌ها را به خاطر دخل و تصرف در ملک شخصی خود مانعی قلمداد کنند . به طور کلی مشارکت از دو جهت تاثیر اساسی در فرایند طرح های توسعه ی شهری دارد. نخست این که مشارکت یکی از ابزارهای لازم برای دستیابی به شناخت و تصمیم گیری درست محسوب می شود ، که از طریق مراجعه به خرد جمعی ، بهره گیری از تبادل نظر و توافق های گروههای موثر در طرح ها به دست می آید . دوم این که مشارکت تنه‌اره بهره گیری از تمامی امکانات طبیعی و انسانی شهرو شهروندان در جهت طرح های توسعه شهری است. به طور خلاصه رویکرد مشارکتی هم به عنوان مبنای تصمیم سازی و تصمیم گیری جمعی در عرصه برنامه ریزی و مدیریت یکی از لوازم توسعه پایدار، جامعه مدنی و دموکراسی محسوب می شود. (نجاتی حسینی، ۱۳۷۹، ۳۱)

که در این راستا ایجاد حس همکاری ، ظرفیت‌سازی و اشتراک در اطلاعات و ارائه برنامه‌های آموزشی و آگاهی رسانی منجر به ارتقاء سطح آگاهی شهروندان از مزایای مشارکت و برخورداری آنان از انگیزه ی بیش تر برای همکاری و مشارکت و برخورداری اجتماعات محلی از سرمایه اجتماعی برای تسهیل تشکل یافتگی و همکاری میان افراد می شود و نهایتاً به ارتقاء همه جانبه جامعه منتهی می شود. در نهایت آنچه می توان از این مباحث برداشت نمود، این است که مشارکت از جهتی وسیله ای برای دستیابی به اهداف توسعه ی انسانی و تمرکز و تجمع گروه های مختلف جهت تامین سعادت سلامت، رفاه شهروندی و احساس تعلق به مکان در بین شهروندان شده و از طرفی به عنوان یک ارزش مستقل دارای نتایج و برآیندهای توسعه ای نیز می‌باشد که در این صورت مردم احساس عزت نفس و امنیت و احساس مسؤولیت نموده و با سهیم شدن در تمام امور و پذیرش یا رد آن، راه‌های دستیابی به توسعه را در جامعه ی خود تعیین خواهند کرد. در اجرای هر طرح که مردم در مراحل از آن مشارکت فعال (اعم از فکری، مالی و یا فیزیکی) نداشته باشند؛ غالباً با عدم موفقیت در حصول به اهداف مواجه بوده و به همین دلیل مشارکت مردم به عنوان مهم ترین عامل در موفقیت طرح ها به شمار می رود و اگر اهالی یک منطقه در شکل گیری طرح یا برنامه ای دخالت مستقیم داشته باشند و به آن طرح احساس تعلق نمایند، نهایتاً می تواند منجر به موفقیت گردد. در عین حال مشارکت خود به عنوان زمینه ساز و بستر ساز بسیاری از فعالیت های دیگر نیز مطرح است که از آن جمله می توان به فعالیت هایی در راستای توسعه ی شهری موجود اشاره نمود.

منابع و مآخذ

- ارجمندنیا، اصغر، سازمانهای غیر دولتی راهبرد مشارکت سازمان یافته، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵. ۱۳۸۰
- احمدی حسن، عوامل ظهور و گسترش ایده مشارکت در برنامه ریزی و شهرسازی، فصلنامه پژوهش، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی، پیش شماره دوم. ۱۳۷۷
- جباری، حبیب، سازمانهای غیر دولتی مفاهیم و حیطه های عمل، شهرداریها، سال دوم، شماره ۱۶
- حناچی، سیمین و مرادی مسیحی، وراز، شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه ریزی و توسعه شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. ۱۳۸۰
- حسینی، سید علی، روشهای مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری (شهررشت)، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت و مدرس، تهران. ۱۳۸۰
- دانشمند، فتنه / نظریان، اصغر (۱۳۸۹) "تقویت روحیه ی شهروندی در مدیریت کلان شهرها" فصلنامه جغرافیایی آمایش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، سال سوم، شماره ۸، بهار
- سازمان ملل متحد، ۱۹۹۲، سازمان های غیر دولتی (NoN- Governmental.rganization).
- شارمند، شیوهای تحقق طرحهای توسعه شهری (بررسی تجارب و تهیه و اجرای طرحهای توسعه شهری در جهان)، جلد اول، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران. ۱۳۷۷
- شارمند، شیوهای تحقق طرحهای توسعه شهری (بررسی تجارب تهیه و اجرای طرحهای توسعه شهری در ایران)، جلد دوم، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران. ۱۳۷۸
- شارمند، شیوهای تحقق طرحهای توسعه شهری (تدوین شیوه ای تهیه طرحهای توسعه شهری در ایران)، جلد سوم، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران. ۱۳۷۹
- علوی تبار، علیرضا، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد سوم، سازمان شهرداریهای کل کشور، تهران، ۱۳۷۹
- فانیشتاين، سوزان، برنامه ریزی و ارزشهای سیاسی، ترجمه ناصر برک پور، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵. ۱۳۸۰
- فنی، زهره / صادقی، یدالله (۱۳۸۸) " توانمند سازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری"، فصلنامه جغرافیایی آمایش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، سال دوم، شماره ۷
- مهدیزاده، جواد، به سوی شهر سازی انسانگرا، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵. ۱۳۸۰

- مزینی، منوچهر، مقالاتی در باب شهر و شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۱
- مرادی (مشاور مازند طرح)، توسعه شهری در استان مازندران، مجموعه مقالات چهارمین همایش تخصصی بافتهای فرسوده شهری، تهران، سازمان ملی و مسکن. ۱۳۷۶
- مطوف، شریف، نقش مشارکت مردم در برنامه ریزی توسعه کشور، فصلنامه پژوهش، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی، پیش شماره سوم. ۱۳۷۸
- نجاتی حسینی، سید محمود، جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۸۰

-<http://www.topiranian.com/page/about/wijegi.htm>

http://www.aftab.ir/articles/social/organization/c4c1191666638_non_governmental_organizations_p1.php

<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=33871>

<http://www.mosaferan.ir/main.asp?ID=00604>

- Andrews Patricia & Herschel Richard (1997) Organizational Communication: Empowerment in a Technological Society, Delhi: Houghton Mifflin, CO
- Chandan, J, S (1997) organizational Behavior, Vikas Publishing House

Archive of SID